

فصل اول

کلیات

مسئله پژوهش

زبان و ادبیات فارسی در پهنه‌ای گسترده از تاریخ و گستره‌ی جغرافیائی از سغد و کاشغر تا قفقاز و آسیای صغیر و از کرانه‌های جنوبی خلیج فارس تا شبه قاره‌ی هند، میراث بشری ارزشمندی را در بردارد که نه فقط ایرانیان بلکه ترکان و تازیان و هندوان، و نه فقط مسلمانان که زرتشتی و یهود و ترسا و هندو، همه و همه در پیدایش و بالندگی آن سهم و نقش داشته‌اند. این تنوع قومی و عقیدتی، زبان و ادبیات فارسی را هم غنا بخشیده و بر مفاهیم و واژگان آن افزوده است و هم آن را جهانی ساخته و سبب گردیده تا در فراز و فرودهای تاریخی اقتدار و پویایی خود را حفظ کند و تا به امروز دوام آورد.

شناخت جداگانه‌ی میراث قومی و عقیدتی ملل و نحلی که در رشد و بالندگی ادبیات فارسی سهیم بوده‌اند، لازمه‌ی درک تاریخ ادبیات و میراث زبان فارسی است زیرا به سبب گستردگی چنین ادبیات و میراث گسترده و متنوعی در قلمرو تاریخی و جغرافیایی زبان فارسی، با همه‌ی تلاش‌های ارزشمندی که شده است، کمتر کسی توانسته به شناخت و شناساندن تمام ابعاد آن دست پیدا کند.

زرتشتیان هر چند به لحاظ نژادی تنها بازماندگان و یادگاران روزگار باستان ایران هستند و بیش از هر قوم دیگری داعیه ایرانیت دارند ولی از نگاه عقیدتی متفاوت از جامعه اسلامی ایران هستند. از این رو متونی که پدید آورده‌اند، ویژگی‌های خود را دارند. از جمله این که باز تولید مفاهیم کهن اساطیری و فرهنگی ایران هستند و پیش از آن که ارزش ادبی داشته باشند، ارزش محتوایی دارند و ایرانیان ناگزیر برای درک هویت تاریخی و فرهنگی خود لازم است به آنها مراجعه کنند و در پرتو قرائت و تفسیر آنها به تحلیل گذشته‌ی خود بپردازند و موجودیت خویش را تفسیر کنند. دیگر این که متون فارسی زرتشتی، از آنجا که ترجمه و اقتباس از متن‌های کهن اوستایی و پهلوی هستند، اگر چه ارزش ادبی چندانی ندارند ولی به لحاظ زبانی و واژه‌شناسی و واژه‌سازی و مفهوم‌پردازی بسی غنی‌تر از متون پدیدآمده در سراسر ادبیات فارسی هستند. زیرا به نسبت از درآمیختگی با زبانهای دیگر چون عربی، ترکی، و فرنگی، دور هستند و به جای استفاده از وام واژه، مولفان و پدیدآورندگان آنها از ظرفیت‌های زبانی و نیز از میراث کهن زبانهای ایرانی استفاده کرده‌اند. از این رو باید گفت، شناخت و شناساندن ادبیات و زبان فارسی زرتشتی نه به مثابه تلاش برای شناخت یک گروه دینی که به مثابه درک میراث کهن ولی زنده‌ی ایرانیان از گذشته‌های بسیار دور تا به امروز، امری ضروری و پیش نیاز شناخت زبان فارسی و درک ابعاد و زوایای تاریخ و فرهنگ ایرانی حتی در روزگار اسلامی است.

موضوع پژوهش

با توجه به نقش متون زرتشتی در غنا بخشیدن به زبان فارسی و نیز باز تولید بن مایه‌ها و درون مایه‌های اساطیری تاریخ و فرهنگ ایران باستان، این پژوهش به بررسی، شناخت و شناساندن متن‌های منظوم و منثوری می‌پردازد که زرتشتیان پس از اسلام تا به امروز به فارسی نو نوشته‌اند. طبقه‌بندی آثار و معرفی هر اثر و محتوای آن، همچنین تأکید بر معرفی دستنوشته‌های باقی مانده از آن، عمده‌ترین موضوع این پژوهش است.

قلمرو پژوهش

در این پژوهش کلیه آثار فارسی زرتشتی که از آغازین سده‌های پس از ورود اسلام به ایران نوشته شده‌اند تا به امروز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین، این گستره‌ی زمانی هم‌پهنه‌ی جغرافیایی درون ایران و هم بیرون از مرزهای ایران، بویژه هند، را دربر می‌گیرد. به سخن دیگر، هر اثری در هر قالبی در هر زمانی و در هر کجای دنیا توسط زرتشتیان به زبان فارسی نوشته شده باشد، در قلمرو این پژوهش بوده است و مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

چنین پژوهشی نه تنها ما را به گونه‌ای تخصصی با بخش‌های مختلف ادبیات فارسی و نقش دیگر ملل در بالندگی آن آشنا می‌سازد که سبب می‌گردد تا راهنما و زیربنایی برای احیاء و تصحیح انتقادی متون یاد شده پدید آید. پیرو اهمیتی که ادبیات فارسی زرتشتی در درک هویت تاریخی و زبانی ایران دارد، بازخوانی، نقد و نشر آن ضرورت دارد و برای نیل بدین مقصود، لازم است نخست راهنمایی برای آگاهی از داشته‌های موجود فراهم آید. از این رو پژوهش پیش‌رو در پاسخ به نیاز یاد شده انجام گرفته است. تا سرآغازی برای تصحیح و ویرایش و نشر آن ادبیات باشد.

اهداف پژوهش

شناخت و شناساندن تخصصی بخش‌های متفاوت و کمتر شناخته شده‌ی ادبیات فارسی. شناخت و شناساندن متون و تجربه‌های زبانی کهن و کمتر شناخته شده‌ی زبان فارسی به منظور استفاده از ظرفیت‌های صرفی و نحوی این زبان در عرصه‌ی علوم مختلف. آشنایی با ادبیات و متون پیروان کیش کهن ایرانی، به منظور درک بهتر هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان. فراهم آوردن راهنمایی برای شناخت متون موجود ادبیات فارسی زرتشتی و دستنوشته‌های آنها به منظور تصحیح، نقد و نشر این متون.

کاربردهای پژوهش

از آنجا که این بررسی، پژوهشی بنیادی است، نتیجه‌ی آن فراهم آمدن اثری مرجع و راهنما است که می‌تواند در موارد زیر کاربرد داشته باشد:

مرجعی برای مطالعات تاریخ و ادبیات فارسی در میان غیر مسلمانان. راهنمایی برای تصحیح و نقد و نشر متون و نسخه‌های خطی فارسی زرتشتی. استفاده دانشجویان و پژوهشگران جهت استخراج موضوعات پژوهشی، طرح‌ها و رساله‌های بدیع و ضروری که تا کنون بدانها پرداخته نشده است. کاربر در حوزه‌های مطالعات زبان‌شناسی و مراکز و نهادهای وابسته. کاربر در حوزه‌های مطالعات دین‌شناسی، بویژه شناخت پیروان کیش زرتشتی.

نوع پژوهش

به لحاظ اهداف، پژوهشی بنیادی است که به منظور فراهم آمدن مرجعی قابل اعتماد برای فعالیت‌های پژوهشی بعدی در حوزه ادبیات فارسی زرتشتی فراهم آمده است. همچنین به لحاظ روش، پژوهشی کتابخانه‌ای و متکی به اسناد و دستنوشته‌های بازمانده از زرتشتیان طی سده‌های گذشته است. از این رو مطالعه‌ای تاریخی توصیفی نیز به شمار می‌آید.

سوالات پژوهش

مهمترین پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح بود، عبارتند از: زرتشتیان چرا به فارسی نو رو آوردند و متون خود را به این زبان انتقال دادند؟ از چه زمانی فارسی نویسی را آغاز کردند؟ چه میزان متن توسط زرتشتیان به فارسی نوشته شده است؟ ابعاد و حوزه‌های متون فارسی زرتشتی چگونه است و میراث فکری و قلمی آنها در چه موضوعاتی قابل طبقه‌بندی است؟

ارزش و اهمیت و کاربرد این متون چیست؟ چگونه می‌توان ابزار و زمینه‌ای برای نقد، تصحیح و نشر آنها فراهم ساخت؟

فرضیه‌های پژوهش

اگرچه این پژوهش، مطالعه‌ای توصیفی تاریخی است و از فرضیه پردازی پژوهش‌های تحلیلی چندان برخوردار نیست ولی در پاسخ به هر یک از پرسش‌های مطرح شده، گمانه‌های متفاوتی مطرح است که چکیده‌ی همه آنها این فرضیه است: « زرتشتیان برای تداوم بقای خود و رفع نیازهای دینی‌شان اقدام به باز تولید و نقل متون کهن اوستایی و پهلوی به فارسی نو کردند».

بدیهی است این حرکت به صورت تدریجی، حدود سده‌های سوم تا ششم هجری، روی داد و در سده‌های بعد به تناسب فراز و فرودهای تاریخی از جمله ارتباط با پارسیان هند، از سده‌ی نهم به بعد، ابعاد گسترده‌ای یافت و بالندگی و تنوع بیشتری پیدا کرد.

تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

بررسی: در این پژوهش منظور از بررسی بیشتر مطالعه‌ی توصیفی و شناخت و شناساندن آثار و متون موجود است نه تحلیل و تفسیر آنها و اگر گاه نقد و تفسیری صورت گرفته است، به هدف شناخت و معرفی بهتر اثر بوده است.

متون: در این پژوهش هر نوشته‌ای که موضوع مستقلی داشته است، خواه مستقل و در یک کتابچه‌ی جداگانه بوده است و خواه درون جنگ‌ها و مجموعه‌ها و حتی گاه درون یک اثر ترکیبی جای داشته است؛ یک متن به شمار آمده است. این متن ممکن است نویسنده و پدیدآورنده‌ی شناخته شده‌ای داشته است و ممکن است نه، پدید آورنده‌ی آن گمنام باشد. افزون بر این لازم بود که بدست زرتشتیان و در باره‌ی مسائل دینی و فرهنگی آنها فراهم شده باشد.

فارسی زرتشتی: منظور گونه‌ای از متون فارسی است که زرتشتیان درباره‌ی دیانت، زبان و فرهنگ خود پدید آورده‌اند و هم از نظر محتوا و هم به لحاظ ویژگی‌های زبانی بویژه استفاده از مفاهیم، اصطلاحات و واژگان کهن با دیگر متون فارسی تفاوت چشمگیری دارد.

متون فارسی زرتشتی چه در ایران و چه در هند محصول سنت و آموزه‌های رایج در میان موبدان و دستوران دینی کیش زرتشتی است و اغلب آنها را روحانیون پدید آورده‌اند. اگر هم به‌دینی غیر روحانی بدین امر پرداخته است، براساس متون و اسلوب و الگوی کار جامعه روحانی و نظام دستوران دینی بوده است. از این رو تفاوت چشمگیری میان نوشته‌های این دو وجود ندارد. در نتیجه باید گفت، آنچه در این پژوهش معیار قرار گرفت و بررسی شد؛ متونی بودند که درون سنت زرتشتی فراهم آمده بودند و فرهیختگان و فرزندان زرتشتی که درون نظام دانشگاهی ایران پرورش یافته‌اند و آثار آنها بر مبنای آموزه‌های دانشگاهی فراهم آمده است نه سنت رایج زرتشتی، در این پژوهش چندان مورد توجه قرار نگرفتند. از جمله این افراد استاد دکتر کتابیون مزداپور است که اگرچه زرتشتی است و آثار ارزشمندی در حوزه‌ی فرهنگ و زبانهای ایران و دیانت زرتشتی فراهم آورده است ولی آثار او بیرون از سنت زرتشتی است.

فصل دوم

روش شناسی

روش پژوهش

این بررسی به لحاظ روش، مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و متکی بر اسناد، نسخه‌های خطی و مکتوباتی است که از زرتشتیان بر جای مانده است و یا پیرامون آثار و ادبیات آنها به نگارش درآمده است. از این روش توصیفی تاریخی یا اسنادی به عنوان روش غالب پژوهش برگزیده شد. با این همه، در لابه‌لای توصیف و معرفی آثار، تحلیل و نقد گونه‌های مختلف ادبیات فارسی زرتشتی در پیوند با فراز و فرودهای تاریخی هم مورد توجه بوده است و کوشیده شده تا دیدی کلی از چگونگی تحولات ادبیات مورد بررسی نیز به خواننده ارائه شود.

روش جمع‌آوری اطلاعات

نخست تمام فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های بزرگ جهان از جمله کتابخانه‌های کاما، ملافیروز، مهرجی رانا، دانشگاه بمبئی و فهرست کاتراک از کتابخانه شخصی پارسیان، کتابخانه‌های موزه بریتانیا، ایندیا آفیس، بادلیان، کمبریج، ملی مونیخ و ملی پارس در اروپا گردآوری شد. همچنین فهرست کتابخانه‌های ایران، بویژه کتابخانه ملی، مجلس، دانشگاه تهران، آیت‌الله مرعشی قم، ملی ملک تهران و نیز فهرست‌های استاد منزوی و فهرست معروف دنا مورد بررسی قرار گرفت و تمام متون خطی فارسی زرتشتی از آنها استخراج و فیش برداری شد. در کنار فهرست نسخه‌های خطی، کتاب شناسی‌ها و فهرست آثار چاپی، کاتالوگ کتابخانه‌ها و متون پژوهشی مرتبط با موضوع هم جمع‌آوری، مطالعه و فیش نویسی شد. سپس کار گردآوری متون موجود خطی و چاپی نایاب آغاز گردید و تمام نسخه‌های خطی و آثار چاپ سنگی موجود در ایران اسکن و پرینت گرفته شد و بدین ترتیب مجموعه‌ای منحصر به فرد از این متون تهیه گردید که در بردارنده‌ی مجموعه‌ی حسین نوازی، کتابدار کتابخانه سلطنتی پهلوی، موجود در کتابخانه ملی ایران که به روزگار پادشاهی پهلوی دوم از مجموعه‌داران هندی خریداری شده است؛ مجموعه‌ی کتابخانه ملی ملک تهران، مجموعه‌های موجود در کتابخانه‌ی اردشیر یگانگی تهران که بازمانده‌های کتابخانه هورشت یزد و انجمن زرتشتیان است. مجموعه میکروفیلم‌های کتابخانه‌های پاریس، موزه بریتانیا، بادلیان و غیره که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند، همچنین، مجموعه متون چاپ سنگی و آثار چاپی نایاب که از کتابخانه‌های

مختلف ملی، مجلس، یگانگی و کتابخانه غنی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهیه شد. با این همه، باید خاطر نشان ساخت تا زمانی که دسترسی به آثار خطی کتابخانه‌های هند میسر نشود، این پژوهش همچنان ناتمام باقی است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های گردآوری شده بر اساس موضوعی در ۱۲ موضوع، شامل ترجمه و تفسیر متون اوستایی، ترجمه و تفسیر متون پهلوی، فقه و آئین، کلام و عقاید زرتشتی، روایات، مناجات، اخلاق و اندرزها، میراث فرقه آذر کیوان، تاریخ، ادبیات، و زبان‌شناسی و فرهنگ نگاری و نجوم طبقه‌بندی شدند.

اگرچه معرفی آثار تابع میزان اطلاعات گردآوری شده است ولی معرفی عنوان اصلی و عنوان‌های فرعی اثر، نویسنده، سال نشر و نگارش، نسخه‌های خطی، محتوای اثر و چاپهای آن مهمترین مواردی بودند که در توصیف هر اثر مورد توجه بود. از این میان، چون پژوهش به هدف فراهم آمدن ابزاری برای چاپ و تصحیح متون فارسی زرتشتی نگارش یافته است، بر معرفی نسخه‌های موجود از هر اثر تاکید ویژه‌ای به عمل آمد. با این همه شایان گفتن است، توصیف‌های فهرست‌نگاران به علت مشکلات زبانی و محتوایی آثار، جز در موارد انگشت شمار، اغلب محل شک است و تا زمانی که پژوهشگر این حوزه خود تک‌تک دستنویس‌های گزارش شده را بررسی نکند، نمی‌توان صحت همه این نسخه‌ها را تایید کرد. چه بسا نسخه‌ای که به اعتبار توصیف فهرست‌نویس به اثری نسبت داده شده است، اثری دیگر باشد که تنها شباهت‌هایی با اثر نسبت داده شده داشته باشد. این واقعیت را نگارنده در بررسی اندک آثار خطی قابل دسترسی که انجام داده است، بارها دیده است. باز به هر روی این تنها راه ممکن است که ما آنچه را فهرست نویسان گزارش کرده‌اند، مبنای کار قرار بدهیم و در صورت بررسی و نیاز به اصلاح، در ویرایش آنها بکوشیم.

فصل سوم

پیشینه پژوهش

متون فارسی زرتشتی به عنوان یکی از منابع شناخت زرتشتگیری، پیش از متون اوستایی و پهلوی مورد توجه اروپاییان قرار گرفت و در سده‌ی ۱۸ و ۱۹ م ایران شناسان غربی به نقد و ترجمه و تفسیر این متون پرداختند ولی از دهه آغازین سده‌ی بیستم به این سو پرداختن به این آثار را رها کردند. زیرا در برابر متون اوستایی، پهلوی و دیگر زبانهای میانه شرقی، آنها هم به لحاظ زبانی و هم محتوایی از ارزش و اهمیت فزونی برخوردار بودند. با این وجود در سالهای اخیر اقبال به متون یاد شده بیشتر شده است.

توماس‌هاید در ۱۷۰۰ م اثر معروف خود بنام تاریخ پارس را بر پایه متون فارسی بویژه صدر نظم پدید آورد^۱. آنکتیل دوپرون در زند اوستا که ۱۷۷۱ در پاریس انتشار یافت، متن‌های فارسی، بویژه روایات و رسالات همراه آنها را مورد بررسی قرارداد^۲. اولشوزن رساله علمای اسلام، نام بیست و یک نسک از ایثاهو ویریو و قطعاتی از کتاب شاهنامه را در ۱۸۲۸ م زیر نام "قطعاتی درباره‌ی دین زرتشتی، برگرفته از نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس"، با مقدمه‌ای از ژول مول در پاریس چاپ کرد^۳.

زاخو در ۱۸۷۰ مقاله‌ای با عنوان Contributions to the knowledge of parsee literature در ش ۴ نشریه Journal of the Royal Asiatic society of Great Britain and Ireland چاپ کرد و به بررسی برخی نسخه‌های خطی فارسی زرتشتی پرداخت^۴. جمع‌بندی نهایی ادبیات فارسی زرتشتی در سالهای پایانی سده‌ی ۱۹ توسط وست صورت گرفت و زیر عنوان The Modern-Persian Zoroastrian literature of the parsis در جلد دوم اثر معروف Grundriss der Iranischen philologie منتشر شد و به عنوان یگانه مرجع مورد اعتماد درباره‌ی این ادبیات آوازه یافت^۵. اندکی پس از وست بلوشه نیز رساله علمای اسلام را در ۱۸۹۸ تصحیح و چاپ کرد^۶. روزنبرگ سال ۱۹۰۴ زراتشت‌نامه را تصحیح و به چاپ رسانید و سال ۱۹۰۹ در رساله‌ای با عنوان Notices de litterature parsie به چاپ سروده‌های دستور نوشیروان مرزبان

1. Dhabhar, 1909, p. vii.

2. Du Perron, A., 1771, Vol. I, p. XXV-XL; Dhabhar, 1923b, p. 2-3.

3. Olshausen, 1829, passim.

4. Sachau, 1870, p. 299-283.

5. West, 1974, p. 122-129.

6. Iranica, vol. vi, p. 313-314.

کرمانی و شرح و توصیف جلد دوم روایات داراب هرمزدیار پرداخت.^۷ اندکی پس از او لوئیس گری طی دو مقاله در سال‌ها ۱۹۱۰ و ۱۹۱۳ به تصحیح و شرح و نقد برج‌نامه و مارنامه پرداخت.^۸

پارسیان هند در دهه‌های آغازین سده بیستم نقد و بررسی و چاپ و ترجمه متون فارسی زرتشتی را پی‌گیری کردند و آثاری ارزشمند پدید آوردند: دابار در ۱۹۰۹ کتاب صدر نثر و صدر بندهش را تصحیح و چاپ کرد^۹ و در ۱۹۳۲ روایات هرمزدیار را به انگلیسی ترجمه کرد.^{۱۰} هودی والا در ۱۹۲۰ کتاب تاریخ پارسیان را منتشر کرد و به تاریخ‌گذاری دقیق روایات پرداخت.^{۱۱} اونوالا در ۱۹۲۲ مجموعه‌ی سترگ روایات داراب هرمزدیار را چاپ کرد.^{۱۲} مدی بیش از دیگر پارسیان به شرح و نقد و بررسی متون زرتشتی پرداخت: در ۱۹۰۳ جاماسب‌نامه را تصحیح و چاپ کرد، ۱۹۲۲ مقدمه‌ای مفصل بر چاپ روایات داراب هرمزدیار نوشت و روایات را بررسی و طبقه‌بندی کرد. ۱۹۲۴ آثار دستور داراب پالن، از جمله فرضیات نامه و خلاصه دین، را چاپ کرد. سال ۱۹۳۲ مقالاتی درباره روایات داراب هرمزدیار و نیز فرقه آذرکیوان منتشر کرد. سال ۱۹۳۱ مقالاتی درباره ارداویرف‌نامه مصور و قصه مهاجرت زرتشتیان هندوستان و بیان آتش بهرام نوشت.^{۱۳}

تا ۱۹۸۷ که ویتالونه در ایتالیا رساله‌ای کوتاه درباره‌ی دستنویس‌های روایات چاپ کرد،^{۱۴} اثر قابل توجهی در این حوزه توسط ایران‌شناسان غربی چاپ نشد اما این رساله کوچک سرآغازی برای آثار بزرگتر شد: در ۱۹۹۱ چرتی قصه زرتشتیان هندوستان را تصحیح و چاپ کرد.^{۱۵} همچنین ویتالونه روایت ایثوتر را در ۱۹۹۶ منتشر ساخت.^{۱۶} سال ۲۰۰۹ داریوش کارگر ارداویراف‌نامه منثور را تصحیح و چاپ کرد و آلن ویلیامز قصه سنجان را تصحیح، و به انگلیسی ترجمه کرد.^{۱۷}

در روزگاری که ایران‌شناسان اروپایی و پارسیان هند پرداختن به متون فارسی زرتشتی را وا نهاده بودند، در ایران تلاش‌هایی برای تصحیح و نشر این متون صورت گرفت: استاد دکتر ژاله آموزگار رساله دکتری خود را در ۱۹۶۷ با عنوان: *Etudes sur la langue et la litterature Mazdeenne en persan* ارائه کرد که اگرچه تاکنون منتشر نشده است ولی مقالات وی با عنوان "ادبیات زردشتی به زبان فارسی، ۱۳۴۸" و "دو ارداویراف‌نامه، ۱۳۶۲"، برگرفته از آن هستند.^{۱۸} پس از او باید از تلاش‌های محمد دبیر سیاقی که در ۱۳۳۸ زراتشت‌نامه چاپ روزنبرگ را ویرایش و در ایران تجدید چاپ کردند و استاد رحیم عقیفی که در ۱۳۴۳ به چاپ

7. Rosenberg, 1909, passim.
8. Gray, 1910; 1913, passim.
9. Dhabahr, 1909, passim.
10. Ibid, 1932, passim.
11. Hodivala, 1920.

۱۲. داراب ۱۹۲۲، ۲، سراسر کتاب.

۱۳. نک. کتابنامه.

14. Vitalone, 1987.
15. Cereti, 1991; 1995.
16. Vitalone, 1996.

۱۷. نک. کتابنامه.

۱۸. نک. آموزگار، ۱۳۸۶.

ارداویرافنامه منظوم اثر زرتشت بهرام پژدو پرداختند،^{۱۹} یاد شود. در میان زرتشتیان ایران آثار زنده‌یاد رشید شهردان، بویژه کتاب فرزندگان زرتشتی، اثری ارزشمند در شناخت ادبیات فارسی زرتشتی است. با این همه، جز مقالات وست و آموزگار که هر دو نیز به صورت مختصر و کلی به آثار مشهور فارسی زرتشتی پرداخته‌اند، تاکنون اثری که همه ابعاد و زوایای این ادبیات را بررسی کند، پدید نیامده است و پژوهش پیش‌رو نخستین بار است که به گونه‌ای گسترده به تحدید قلمرو آن می‌پردازد.

فصل چهارم

یافته های پژوهش

ترجمه و تفسیر اوستا

اوستا مهمترین کتاب در دیانت زرتشتی، مجموعه‌ای از متون مختلف است که در زبان فارسی نو نیز نمود ویژه‌ی خود را یافته است. کهن‌ترین کاربردهای زبان فارسی در متون اوستایی به نیرنگ‌ها یا سرعنوان‌ها و دستورات کوتاهی برمی‌گردد که کاتبان اوستا در عنوان و آغاز هر بخش می‌آوردند. از این سنت نسخه‌نگاری که بگذریم، به تدریج برای قسمت‌های پرکاربرد اوستا ترجمه و شرح‌هایی به فارسی تهیه شد. اغلب این متن‌ها سده نهم یزدگردی به بعد، زمانی که میان جامعه زرتشتی ایران و پارسیان هند ارتباط برقرار شد، پدید آمده‌اند و بیشتر در شرح نمازهای گاهانی و خرده اوستا هستند.

بر اساس آنچه از ادبیات فارسی زرتشتی در ترجمه و شرح اوستا بویژه گاهان پدید آمده است، نگاه اهل دین به این کتاب بیشتر نگاهی آیینی و باور به تقدس‌ها و اثرات ماورایی آن کلام مقدس بوده است تا تبیین و تفسیر آن به عنوان متن بنیادین آموزه‌های دین. نگاه دوم در سده ۱۹م در سایه پیشرفت‌های زبان‌شناسی و بازخوانی گاهان و رشد مدرنیسم و چالش‌های آن در هند شکل گرفت و توسط کسانی چون دینشاه ایرانی و پیروان او از ۱۳۰۰ش به بعد در ایران رواج یافت و در روزگار ما به عنوان نگاه غالب با رویکردی روشنفکرانه و نواندیش بر جامعه زرتشتی چیرگی یافته است، هرچند نگاه آیینی به اوستا در لایه‌های میانی به پایین جامعه کماکان طرفداران خود را دارد. به هر روی متون فارسی که زرتشتیان در شرح و تفسیر و ترجمه مجموعه‌ی اوستا پدید آورده‌اند، به قرار زیر است:

در باره اوستا

رساله‌ای در آموزش دستور و لغت اوستا در کتابخانه اردشیر یگانگی تهران، کتابچه‌ای آموزشی، گویا دستک آموزنده‌ای که اوستا آموخته است. کتاب به اوستایی و فارسی است و برنمی‌آید که از سده‌ی سیزدهم یزدگردی فراتر باشد. نسخه‌ی یاد شده از بقایای کتابخانه‌ی هورشت یزد بوده است که به کتابخانه‌ی یگانگی انتقال یافته است. با توجه به موضوع کتاب می‌توان گفت اثری منحصر به فرد در ایران است و شاید دفتر آموزشی یکی از زرتشتیان باشد که در مدارس

پارسیان هند درس خوانده است. زیرا مطالب متن و شیوه تدوین و آموزش کتاب با سنت آموزشی مکتب‌های ایران موافقت ندارد.

شرح بیست و یک نسک اوستا، متنی برگرفته از دینکرد هشتم^۱ که از طریق روایات به هند رفت و کم و بیش نسخه‌هایی از آن به نظم و نثر با تفاوت‌هایی برجای مانده است و در آن به نام و محتوای بیست و یک نسک اوستای ساسانی اشاره می‌شود؛ این متن در روایات داراب هرمزد به نقل از روایت نریمان هوشنگ، روایت برزو کامدین، کامه بهره و شاپور بروچی آمده است؛^۲ داراب پالن به پیوست خلاصه دین، حدود ۱۰۵۹ی، نیز مطالب همین روایات را زیر عنوان «رویداد بیست و یک نسک زند با تفصیلات ایشان»، به نظم کشیده است.^۳ در موسسه کاما نسخه‌ای به ش R.286، رساله‌ای در وصف ۲۱ نسک اوستا، نگهداری می‌شود. «وصف ۲۱ نسک که زرتشت از آسمان آورد»، عنوان متنی میان صفحه‌های ۵ الف- ۱۸ الف نسخه ش 1942,7 کتابخانه بادلیان، ش 225 مجموعه اوزلی، حدود ۱۱۵۳ق / ۱۷۴۰م است.^۴ در کتابخانه ملی پاریس هم دو نسخه یکی با عنوان شرح و تحلیل ۲۱ نسک اوستا به ش 202/6 و دیگری زیر نام «درباره‌ی ۲۱ نسک اوستا» میان برگ‌های ۱۲۷-۱۳۱ جنگ ش XXVI,suppl.pers.191,21 فهرست شده‌اند.^۵

گاهان

گاهان با همه اهمیتی که در دین زرتشتی دارد، آن چنان که از ادبیات فارسی زرتشتی و حتی پهلوی برمی‌آید، بیشتر به عنوان متنی آئینی با بار ارزشی و تقدس ویژه، بدان نگریسته شده است تا متنی که زیر بنای فکری و بنیاد دین باشد. این نگاه دوم بیشتر در سده‌ی ۱۹م و در پرتو پیشرفت‌های زبان شناسی در اروپا و اهمیت یافتن گاهان به عنوان یکی از کهن‌ترین متون هند و اروپایی، شکل گرفت و از طریق پارسیان هند به ایران سده‌ی بیستم هم راه یافت. گواه این واقعیت متونی است که زرتشتیان به فارسی نو درباره‌ی گاهان پدید آورده‌اند: **فرامون یشت** یا دو دوعای «یثاهو» و «اشم وهو»^۶ از نامبردارترین اورادی هستند که هر زرتشتی در شبانه روز بر زبان می‌آورد. از این رو کهن‌ترین شرح و ترجمه‌ها و توجیه و تفسیرها به آن دو یا قطعاتی مانند آنها اختصاص یافته است: در کتابخانه ملی پاریس نسخه‌های ش 202,3، ش 202/9 و ش 166/9 تفسیرهایی بر یثاهو هستند.^۷ برگ‌های ۱۰۰-۱۰۴ جنگ ش Add.8994 کتابخانه موزه بریتانیا مورخ ۱۸۱۱م^۸ و نیز نسخه ش Add.8994,5 همان کتابخانه مورخ ۱۸۵۸م شرح و تفسیر یثاهو هستند.^۹ همچنین بخشی از نسخه ش

۱. نک تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۲. نک. داراب، ۱۹۲۲، ج ۱، ص ۲-۱۳؛ ج ۲، ص ۴۳۶-۴۳۹.

۳. ۱۹۲۴ داراب پالن، ص ۶۴-۶۸.

4. Sachau-Ethe, 1889, p. 1109.

5. Blochet, 1900, p. 55; 1905, I, p. 168.

۶. یسن ۲۷، بندهای ۱۳ و ۱۴.

7. Blochet, 1905, I, p. 166, 168.

8. Rieu, 1879, p. 52.

9. Sachau, 1870, p. 277.

(b) 36 فهرست کاتراک متعلق به کتابخانه سهرابجی مروان جی تاتی در سورت، مورخ ۱۰۳۰ی در معنی دعای یتاهو است.^{۱۱} افزون بر این، در روایات داراب هرمزدیار به نقل از روایات مختلف شرح و تفسیر دعای یتاهو آمده است.^{۱۱} پس از یتاهو، این دعای معروف **اشم وهو** است که در شرح و تفسیر آن متونی پدید آمده‌اند: نسخه‌های ش 202,13 و 202,1 کتابخانه ملی پاریس^{۱۲}؛ برگ‌های ۱-۳ نسخه ش 1942,1 کتابخانه بادلیان، ش 225 مجموعه اوزلی^{۱۳}؛ دستنویس ش Add 8994,5 کتابخانه موزه بریتانیا^{۱۴}؛ ص ۴۷ب-۴۹ب دستنویس ش ۱۹۲۱۷-۵ کتابخانه ملی ایران، کتابت موبد رشید موبد بهرام موبد خدابخش موبد فرود موبد خدابخش موبد خسرو موبد نوش موبد حکیم موبد اردشیر حدود ۱۲۴۹-۱۲۵۰ی؛ و بخشی از نسخه ش (b) 36 فهرست کاتراک، از آن کتابخانه سهرابجی مروان جی تاتی در سورت^{۱۵} همگی شرح‌هایی درباره‌ی دعای اشم وهو هستند. بر این قطعات، دو قطعه ش 202,12 کتابخانه ملی پاریس^{۱۶} و ش S-125,2 کتابخانه مهرجی رانا^{۱۷} را باید اضافه کرد که افزون بر «یتاهو» و «اشم وهو» دیگر قطعات و دعا‌های گاهانی و اوستایی مانند ینگه‌ها تام، پنج‌گاه کوچک، باج هرمزد و غیره را شرح و تفسیر کرده‌اند. افزون بر این‌ها، در خرده اوستاها نیز متن، ترجمه و تفسیر این دعاها آمده است.^{۱۸} **یسن ۳۱**، بند ۱۷ تا **یسن ۳۴**، بند ۱۳، قطعه‌ای گاهانی همراه با ترجمه فارسی است که به ش ۱۰ در کتابخانه کاما فهرست شده است.^{۱۹} **هفتان یشت** بخشی از نسخه ش (b) 19 فهرست کاتراک متعلق به کتابخانه موبد پیروج شاه فرام جی پودی در نانیورا بندر سورت است که به فارسی و اوستایی آمده است.^{۲۰} گویا استاد ماستر نخستین کس از زرتشتیان ایران است که گاهان را به عنوان یک مجموعه مستقل و فارغ از کارکردهای آیینی آن مورد بررسی قرار داد و ترجمه کرد. بی‌گمان او این دید را در هنگام تحصیل در مدرسه ملافیروز پیدا کرده بود. رشید شهردان سال ۱۲۸۵ی را به عنوان تاریخ **ترجمه گاهان توسط استاد ماستر** یاد می‌کند و یادآور می‌شود که استاد ماستر متن ترجمه را جهت چاپ برای ارباب کیخسرو شاهرخ در تهران می‌فرستد ولی مدتی چاپ آن به تاخیر می‌افتد. بعد از قتل ماستر که بازماندگانش پی‌گیر چاپ آن شدند، روشن گردید که کتاب مفقود شده است.^{۲۱} او در **گلدسته چمن آئین زرتشت** نیز چکیده‌ای از محتوای گاهان را آورده است که هر چند ترجمه‌ای از یک متن انگلیسی است ولی از جمله نخستین متون فارسی در موضوع گاهان و مفاهیم آن در روزگار معاصر است.^{۲۲} صاحب کتاب **آئین دین زرتشتی** هم آن متن را همراه متن اوستایی به الفبای فارسی، در ۱۲۹۱ی دوباره چاپ کرده است.^{۲۳} حتی کیخسرو شاهرخ هم در آثارش به گاهان با دیدی

10. Katrak, 1941, p.12.

۱۱. داراب، ۱۹۲۲، ج ۱، ص ۲-۱۵.

12. Blochet, 1905, i.P.168-9.

13. Sachau-Ethe, 1889, p.1108.

14. Rieu, 1879, p.271.

15. Katrak, 1941, p.12.

16. Blochet, 1905, I, p.169.

17. Dhabhar, 1925, p.101.

۱۸. به عنوان نمونه نک. خورده اوستای دستور تیرانداز، ۱۳۲۴ق/ ۱۲۷۶ی، ص ۲-۳.

19. Dhabhar, 1923b, 137.

20. Katrak, 1941, p.5.

۲۱. ۱۳۶۳، ص ۶۱۴.

۲۲. نک. ماستر، ۱۸۹۷م/ ۱۲۶۵ی، ص ۱۴۱-۱۷۴.

۲۳. مهرگان، موبد سیاوخش ۱۲۹۱ی، ص ۲۵-۱۰۹.

آئینی می‌نگرد و آنچه در شرح و تفسیر آن آورده است، به ضرورت مسائل آیینی است نه ارائه آموزه‌ای فقط مبتنی بر گاهان یا به سخنی دیگر، تلقی گاهان به عنوان متنی بنیادین برای قرائت و دریافت دین.^{۲۴} از این رو باید گفت این دینشاه ایرانی و همکاران و پیروان او بودند که گاهان را بیرون از کاربردهای آیینی مورد بررسی قرار دادند و با این نگاه متونی به فارسی پدید آوردند. او در ۱۹۲۴م کتابی به انگلیسی با عنوان **سروده‌های آسمانی زرتشت**^{۲۵} با مقدمه تاگور منتشر کرد. رشید شه‌مردان این کتاب را از انگلیسی با کمک ترجمه‌های پورداود، میلز و گتری به فارسی درآورد و در ۱۳۱۱ش در بمبئی زیر عنوان **تعلیمات زرتشت** انتشار داد. هرچند اعتبار این تفسیر و ترجمه‌ی آزاد که به دو واسطه از گاهان به فارسی درآمده است، مورد تردید مترجم است و خواننده را از این بابت به کتاب استاد پورداود ارجاع می‌دهد؛ ولی نخستین شرح مفصل گاهان در ادبیات فارسی زرتشتی است و با تاکید بر مفاهیمی چون یکتاپرستی، بار اخلاقی گاهان، سادگی تعلیم، راستی و مفهوم امشاسپندان به عنوان اساس دیانت زرتشتی پدید آمده است.^{۲۶} این کتاب در ۱۳۶۴ به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت مترجم با مقدمه جهانگیر اوشیدری، زیر عنوان آموزش‌های اشو زرتشت در چاپخانه راستی تهران چاپ شد.

چکیده‌ای از سخنان گهربار اشو زرتشت، گردآوری مهربان گشتاسب پور پاریسی، با بررسی کنکاش موبدان ایران که سال ۱۳۵۵ چاپ شد، در بردارنده‌ی قطعاتی از گاهان و دیگر بخش‌های اوستا در موضوعات مختلف است که در آن متن اوستایی با الفبای فارسی همراه با ترجمه فارسی دیده می‌شود.

سیری در آموزش گاههای گاهان، برگردان گاهان به فارسی روان از موبد رستم شهزادی و نیز کتاب دیگر وی **برگردان گات‌ها** که سال ۱۳۷۷ انتشار یافت، متون دیگری از گاهان به فارسی هستند. کتاب دومی ترجمه‌ای است که موبد شهزادی با همکاری انجمنی از رستم صرفه، مهربان شهروینی و کیخسرو هروسپ زیر نام «کمیسیون برگردان گات‌ها» آن را انجام داده است. این کمیسیون با گردآوری دهشتی از اهل دین نسبت به ترجمه گاهان اقدام کرده است. در پیش گفتار مترجم به معرفی گاهان، پیدایش اشو زرتشت و معرفی آموزه‌های او پرداخته شده است. براساس آن، توحید یا یکتاپرستی، آزادی انتخاب راه خیر و شر، ضدیت با موهومات و خرافه‌پرستی مذهبی، کار و کوشش و آبادانی، دریافت پاداش کارهای نیک و بد در این جهان و پیروزی نهایی نیکی بر بدی، مهمترین پایه‌های زرتشتیگری و آموزه‌های زرتشت هستند.^{۲۷}

در سنت زرتشتی و در میان موبدان معاصر، زنده‌یاد فیروز آذرگشسب در ترجمه و شرح گاهان بیش از دیگران کوشیده‌اند و از سال ۱۳۵۱ کتاب **گات‌ها یا سروده‌های آسمانی زرتشت** را تا دهه‌ی ۸۰ چندین بار ویرایش و چاپ کرده‌اند.^{۲۸} همچنین جزوه‌ها و گلچین‌های مختلفی از ترجمه‌های موجود گاهان توسط جامعه زرتشتی صورت گرفته و می‌گیرد که بیشتر مخاطب عام دارند.^{۲۹}

فزون بر گاهان، در گذشته، برخی قطعات یسنا نیز ترجمه تحت‌اللفظی و بین سطری شده‌اند. از دستنویس‌های اوستایی که دارای شرح و یا ترجمه واژه به واژه متن به فارسی هستند، تعدادی در دست است: به عنوان نمونه می‌توان از

۲۴. نک. شاهرخ، ۱۳۳۷، ص ۴۱-۵۰.

25. The Divine songs of zarathustra .

۲۶. شه‌مردان، ۱۳۱۱، ص ۱-۲۰.

۲۷. شهزادی، ۱۳۷۷، ص ۱۷-۲۸.

۲۸. نک. کتابنامه.

۲۹. به عنوان نمونه باید از **اندرزنامه زرتشت**، اثر کورش نیکتام یاد کرد که برداشت و دریافت وی از ترجمه‌های گاهان به زبانی ساده و اندرزگونه است.

موارد زیر یاد کرد: یسنا با ترجمه واژه به واژه میان سطرپی به فارسی، به ش 9 کتابخانه کاما^{۳۰}؛ نسخه ش 81(5) کتابخانه ملافیروز^{۳۱}؛ زند یسنا با ترجمه میان سطرپی فارسی به 2807, Ms, pers. d. 47 در کتابخانه بادلیان^{۳۲} که همان نسخه ش 12, Haug 57 کتابخانه ملی مونیخ است^{۳۳}؛ یسنا، های ۱۹، اوستایی، پهلوی و فارسی از داراب پالن، نسخه ش 311(c) فهرست کاتراک، از آن کتابخانه دستور برجورجی دراب جی در رستم پورا سورت^{۳۴}؛ قطعه‌ای از یسنا به فارسی، برگ‌های ۹۸-۱۰۰ نسخه ش xxviii, suppl. pers. 51, 15 کتابخانه ملی پاریس^{۳۵} و شرح یسن‌های ۶۶ و ۶۷ به فارسی، میان برگ‌های ۵ب تا ۱۶الف نسخه ش 1942, 3، ش 225 مجموعه اوزلی کتابخانه بادلیان، حدود ۱۱۵۳ق / ۱۷۴۰م.^{۳۶}

یشت‌ها و ویسپرد

در صفات زند اوستا سروده‌ای از موبد فرامرز اسفندیار درباره‌ی نیایش‌ها و یشت‌های اوستا، به تاریخ بهمن ۱۱۹۳ی، میان برگ‌های ۳۸-۵۴ نسخه ش 205 کتابخانه موسسه کاما^{۳۷}؛ کتاب یشت و نیرنگ آب و برسم و قواعد دینی با یشت و سفرد و یشت رفتون و یشت سی‌روزه، به سعی و اهتمام موبد نامدار بن دستور شهریار و موبد رستم بن موبد خسرو مهربان که در تاریخ ۱۲۶۲ی/۱۳۱۰ق به کتابت موبد کیخسرو کرمانی در بمبئی به صورت سنگی چاپ شد، اثری است که بیشتر به شرح آیین‌ها می‌پردازد. متن اوستایی همراه با شرح و ترجمه به فارسی است و مطالب زیر را دربرمی‌گیرد:

- ۱- پانزده خصلت که موبدان یزشگر را لازم و شایسته است ۲- صد و یک نام خدا (اوستایی)، ۳- نیرنگ‌های مختلف به فارسی و اوستایی ۴- آداب یزشنی خواندن ۵- اوستایی یزشنی ۶- یشت سی‌روزه ۷- یشت ویسپرد با نیرنگ ۸- یشت رفتون.^{۳۸}

متن یشت‌ها و ویسپرد نه بطور کلی بلکه قطعات و بخش‌های مختلف آن که اهمیت و ارزش آیینی و عقیدتی بیشتری داشته‌اند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و شرح و ترجمه شده‌اند:

هرمزدیشت از جمله متن‌های با اهمیتی است که چه در خرده اوستاها و چه به صورت مستقل شرح و ترجمه شده است.^{۳۹} نسخه‌ای از آن به ش 16، به الفبای فارسی و همراه با ترجمه فارسی میان سطرپی، همچنین بخشی از آن به ش 17 در کتابخانه موسسه کاما نگهداری می‌شود.^{۴۰} بخش ۱۱ نسخه ش 201 کتابخانه ملی پاریس نیز هرمزدیشت با ترجمه فارسی است.^{۴۱} در کتابخانه موزه بریتانیا برگ‌های ۱-۳۷ جنگ ش Add.8994 متن اوستایی هرمزدیشت به الفبای فارسی

30. Dhabhar, 1923b, p. 137.

31. Ibid, 1923a, p. 54.

32. Beeston, 1954, p. 78.

33. Bartholomae, 1915, p. 191.

34. Katrak, 1941, p. 73.

35. Blochet, 1900, p. 59.

36. Sachau-Ethe, 1889, p. 1109.

37. Dhabhar, 1923b, p. 178.

۳۸. نامدار، ۱۲۶۲ی، ص ۲-۵۲۳.

۳۹. نک. خرده اوستا.

40. Dhabhar, 1923b, p. 138.

41. Blochet, 1905, p. 166.

همراه با شرح و تفسیر است.^{۴۲} بخش دوم دستنویسی که به ش ۷۲۴-ف و ش بازیابی ۱۰۷۲۴-۵ زیر نام تاریخ زردشت و قسمتی از زند در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود،^{۴۳} هرزدهشت به الفبای فارسی و ترجمه فارسی بند به بند آن است.^{۴۴} یعنی پس از هر بند اوستایی ترجمه فارسی آن هم آمده است. این نسخه پیوست رساله معروف دین مسئله است که زرتشتیان یزد در پاسخ محمد ولی میرزا حاکم آنجا در سال‌های ۱۲۲۶-۱۲۲۳ ق. نوشته‌اند.^{۴۵}

هوم‌یشت یا یسن ۹ که در حقیقت بخشی از یسن‌ها است، مورد توجه بوده است و مهمترین شرح و تفسیر و ترجمه آن از دستور داراب پالن معروف است که رساله‌ای با نام **معنی هاونیم** دارد. «هاونیم» واژه آغازین هوم‌یشت یا یسن ۹ اوستا است. هیرید داراب بر مبنای ترجمه‌های پهلوی و سانسکریت هوم یشت، ترجمه فارسی خود را فراهم آورده است. در کتابخانه ملی ایران، برگ‌های ۵۲ تا ۷۵ الف دستنویس ش ۱۷۵۴۱-۵، رساله معنی هاونیم است که در زیر هر بند اوستایی معنی فارسی آن آمده است، نسخه مورخ ۱۱۴۷ی به کتابت هیرید کاوس بن سهراب بن دستور رستم بن دستور مانک از نسل دستور ماهیار رانا است. در کتابخانه ملی پاریس نیز شماره‌های ۱۸۲،۷ مورخ ۱۷۶۱م؛ ش ۱۸۶،۸ مورخ ۱۱۰۶ ی / ۱۷۳۷م؛ ش XVIII, suppl. pers. 49, 12 م _____ مورخ ۱۱۰۶ ی / ۱۷۳۷م و ش 14, Müller XXII, suppl. pers. 40, 12 (Anquetil, notices iv) همگی معنی هاونیم هستند.^{۴۶} بخش ۲ دستنویس ش 100 کتابخانه ملی مونیخ هم هوم یشت یا معنی هاونیم داراب پالن است.^{۴۷} **معنی و تفسیر سروش واج**، متنی است میان برگ‌های ۴۹ تا ۵۲ ب دستنویس ش ۱۹۲۱۷-۵ کتابخانه ملی ایران کتابت موبد رشید بهرام موبد خدابخش موبد فرود موبد خدابخش موبد خسرو موبد نوش موبد حکیم موبد اردشیر، مورخ ۱۲۴۹-۱۲۵۰ی، متن اوستایی به الفبای فارسی که زیر هر بند مفهوم آن شرح شده است. **سروش یشت و هادخت نسک** با ترجمه فارسی عنوان نسخه ش (b) 315 فهرست کاتراک، متعلق به کتابخانه دستور برجورجی داراب‌جی در رستم پورا بندر سورت است.^{۴۸}

برگ‌های ۴۴-۴۹ دستنویس ش ۱۷۵۴۱-۵ کتابخانه ملی ایران قسمتی از **آبان یشت** است. متن اوستایی به خط اوستایی همراه با ترجمه فارسی به قلم سرخ، کتابت هیرید کاوس بن دستور سهراب از نسل مهرجی رانا. **شرح و ترجمه فروردین یشت**، برگ‌های ۱-۴۵، نسخه‌ای به قطع خشتی پدید آمده از هند که پیش تر در کتابخانه هورشت یزد نگهداری می‌شد و حالا در کتابخانه یگانگی تهران است. از **ترجمه بهرام یشت** هم نسخه‌ای به ش F-44.8 در کتابخانه مهرجی رانا گزارش شده است.^{۴۹}

42. Rieu, 1879, p. 52; Sachau, 1870, p. 277.

۴۳. انوار، ۱۳۴۷، ص ۲۲۹؛ منزوی، ۱۳۷۵، ص ۸۶۷.

۴۴. دستنویس ش ۱۰۷۲۴-۵ کتابخانه ملی ایران، ص ۱۵-۵۰.

۴۵. نک. بخش عقاید و کلام.

46. Blocher, 1900, p. 23-25 ; 36; 1905, p. 139, 150.

47. Bartholomae, 1915, p. 20-21.

48. Katrak, 1941, p. 77.

49. Dhabhar, 1925, p. 72.

ونیداد

به سبب اهمیت فراوان و کاربردهای فقهی و آئینی آن، بارها به فارسی ترجمه، شرح و تفسیر شده یا به نظم درآمده است. از ترجمه‌ها و تفسیرهای منثور ونیداد به دستنویس‌های زیر باید اشاره کرد: ترجمه و تفسیر فرگرد اول ونیداد به فارسی، نسخه‌ای قدیمی به ش 684 فهرست کاتراک از آن کتابخانه هیرید بهمن‌جی اسفندیارچی دستور ریدینا در رستم پورا سورت و متن اوستایی، پهلوی و فارسی فرگردهای ۱ تا ۴ ونیداد به ش 371 فهرست کاتراک، متعلق به کتابخانه اردشیر نوشیروان‌جی دستور در بندر سورت^{۵۰}؛ ترجمه و شرح پرگرد پنجم، بخش دوم نسخه اوستایی به قطع خشتی از آن کتابخانه هورشت یزد که اکنون در کتابخانه یگانگی نگهداری می‌شود. از همین فرگرد شرح و ترجمه‌ای به ش XXVIII, suppl. pers. 51, 8 در کتابخانه ملی پاریس، ص ۸۱-۸۷، وجود دارد^{۵۱}؛ از فرگرد ۱۵ نیز دو ترجمه گزارش شده است: یکی میان برگ‌های ۱۴۱-۱۴۲ جنگ ش XXVI, suppl. pers. 1191, 28 کتابخانه ملی پاریس^{۵۲} و دیگری درون جنگ ش Add. 26, 323 کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۲ب-۷الف، مورخ ۱۸۰۹م.^{۵۳} ترجمه فرگرد ۱۸ در قسمت ۲۳ و ترجمه فرگرد ۲۰ در قسمت ۲۵ دستنویس ش 205 کتابخانه ملی پاریس آمده است.^{۵۴} خلاصه ونیداد، چکیده‌ای از کرده‌های ونیداد، بویژه کرده‌های آغازین آن درباره‌ی افزایش شهرها، شاد کردن زمین و ساختن دخمه و....، در میان برگ‌های ۵۹ب-۶۲ب دستنویس ش ۱۹۲۱۷-۵ کتابخانه ملی ایران کتابت موبد رشید بن موبد بهرام موبد خدابخش موبد فرود موبد خدابخش موبد خسرو موبد نوش موبد حکیم موبد اردشیر، مورخ ۱۲۴۹-۱۲۵۰ دیده می‌شود و در کتابخانه ملی مونیخ زند ونیداد با ترجمه واژه به واژه به فارسی به ش 56, Haug 11 گزارش شده است.^{۵۵}

ترجمه و تفسیرهای منظوم ونیداد، برپایه دستنویس‌هایی بررسی شده، سه سروده هستند:

۱. سروده دستور نوشیروان مرزبان کرمانی در ۹۹۶ی در کرمان که از طریق روایت بهمن اسفندیار یا بهمن پونجیه به هند رفت و در روایات برزو کامدین^{۵۶} و داراب هرمزدیار نیز آمده است.^{۵۷} دستنویس ش 2809 MS. Whinfield 60 کتابخانه بادلیان مورخ حدود ۱۸۳۶م که میکروفیلمی از آن به ش ۲۹۳۲ زیر عنوان دیوان خسرو زرتشتی در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود^{۵۸}، دستنویس کامل این سروده است. چنان که از این نسخه برمی‌آید، متن رساله سروده نوشیروان مرزبان است و کتابت از خسرو رستم که نسخه‌ای از آن را بهمن اسفندیار به هند می‌برد. اگرچه زیرنام‌های مختلف فهرست شده است ولی در بردارنده‌ی مطالب فرگردهای ونیداد درباره‌ی ایرانویج، شاد کردن زمین، ساختن دخمه، نسا و افتادن آن به آب و آتش، مرد اشو، آتش مرده‌سوز، داد نیک و بد، برشونوم و.... است. در پایان تاریخ سرایش و کتابت و علت آن چنین آمده است:

بدارید معذور خوانندگان / ز گستاخی بنده نوشیروان

50. Katrak, 1941, p. 90, 151.

51. Blochet, 1900, p. 59.

52. Ibid, 56.

53. Rieu, 1879, p. 53.

54. Blochet, 1905, p. 172.

55. Bartholomae, 1915, p. 187.

56. Modi, 1922, p. 7.

۵۷. داراب، ۱۹۲۲، ج ۲، ص ۲۶۶؛ برای آگاهی بیشتر نک. آموزگار، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱.

58. Beeston, 1954, p. 77.